

«لا کتابی» را مجازاً در برابر Paperless Book گذاشته‌ام که موضوع این نوشته کوتاه است. از زمانی که یوهانس گوتنبرگ در سال ۱۴۰۰ میلادی صنعت چاپ را اختراع کرد و نقش حروف را با مرکب بر روی کاغذ نشان داد - و کتاب، به صورتی که امروز آنرا می‌شناسیم و لمس می‌کنیم به دنیای فرهیختگان راه یافت - صنعت چاپ تحولات شگرفی را پشت سر گذاشته است: چه در زمینه حروفچینی، چه در زمینه چاپ و چه در زمینه صحافی. کسی را در شهر لوس آنجلس می‌شناسم که دوازده ماشین بزرگ «لاینو تایپ» دارد که مساحتی در حدود ۲ هزار پای مربع را پوشانده است و شاهدم که سالهاست این ماشین‌ها در چاپخانه او خاک می‌خورند. آنقدر برای این ماشین‌ها پول داده است، و آنقدر به آنها دلبسته بوده است، که اکنون شهامت دور ریختن آنها را ندارد. وقتی فن و شیوه Photo Typesetting به بازار آمد، یک‌شبه فن و شیوه Linotype و حروف سری کهنه شد و از میان رفت. گرچه هنوز فن و شیوه Photo Typesetting رواج دارد، اما ورود نرم‌افزارها و ماشین‌های چاپگر آن، به کلی شیوه حروفچینی و صفحه‌آرایی را دگرگون کرده است.^۲

با همه این دگرگونی‌ها، اما هنوز هم متن کتاب بر روی کاغذ چاپ می‌شود و مرکب عنصر اصلی چاپ است و صحافی تقریباً به همان شیوه‌های قدیم صورت می‌گیرد و کتاب را خواننده می‌خواهد در میان دستهای خود لمس کند.

با ورود کامپیوترها و نرم‌افزارهای تازه، این امکان پیش آمده است که کتاب از کاغذ و مرکب و صحافی دوری گزینند و کتاب بی‌کاغذ، یا آنطور که مجازاً از آن یاد کردم، لا کتاب به جهان کتاب عرضه شود.

در دهه گذشته، صدها کتاب مرجع، از جمله کتاب «نقل قول‌های مشهور»^۳ و «فرهنگ واژه‌های مترادف»^۴ به صورت الکترونیک تدوین و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است. اما هنگامی که «نشر الکترونیکی» خواسته است ادبیات را به حیطه خود بکشاند، هم از طرف ناشران و هم از طرف خوانندگان و دوستداران کتاب با مقاومت روبه‌رو شده است. خوانندگان حافظ و سعدی و فاکنر و فلوربر و همینگوی بر صفحه نمایش کامپیوتر هنوز هم آنطور که باید و شاید به دل نمی‌نشینند.

اما در ماه مه امسال (۱۹۹۲) یکی از بزرگترین و مشهورترین ناشران آمریکا، یعنی Random House - با شرکت Apple Computer نشستی داشتند و اعلام کردند که کتاب‌های منتشر شده در مجموعه مشهور Modern Library را به تدریج به صورت الکترونیکی انتشار خواهند داد. نخستین کتابی که در این مجموعه منتشر خواهد شد، «خشم و هیاهو» ی فاکنر است. کتاب بعدی موبی‌دیک ملویل و کتاب بعدی دیوید کاپرفیلد دیکنز است. این عناوین لا کتاب - که به صورت الکترونیکی و روی صفحه (دیسک) ضبط و بر روی صفحه نمایش کامپیوتر منعکس خواهد شد، در این مرحله از تولید، کمتر از ۲۵ دلار قیمت‌گذاری شده است. کامپیوتر مورد نیاز برای خواندن این کتابها Power Book نام دارد که شرکت Apple آنها را ساخته است و از نوع Laptop یا رو زانوئی است. رو زانوئی‌های ساخت آی.بی.ام. نیز به این کار می‌خورد - اما کارشناسان نوع «سیب» (Apple) را ترجیح می‌دهند.

شرکتی که این آزمایش را در دست تهیه دارد Voyager نام دارد و مقیم کالیفرنیاست. نورا رالینسون، سردبیر نشریه «هفتگی ناشران» می‌گوید کامپیوتر Power Book نزدیکترین چیز به کتاب است که من می‌توانم در تختخوابم بغلتم و آنرا بخوانم.

صفحه نمایش این کامپیوتر شبیه به صفحه کتاب‌های وزیری است. با فشار یک دکمه، هر صفحه لا کتاب ورق می‌خورد و بدیهی است که خواننده می‌تواند صفحات را به عقب و جلو ورق بزند. با فشار یک دکمه می‌توان گوشه صفحه را به علامت نشان تا کرد یا با دکمه دیگری یک سنجاق الکترونیکی به صفحه مورد نظر الصاق کرد که معلوم شود تا کجای کتاب خوانده شده است. زیر سطرها را می‌توان خط کشید یا در حاشیه کتاب - که بطرز سخاوتمندانه‌ای عریض است - علامت گذاشت یا یادداشت کرد.

لا کتاب‌ها مزیت‌های دیگری هم دارند. پشت صفحه نمایش کامپیوتر به اندازه کافی نورانی

است و می‌توان در رختخواب - بی‌آنکه آدم مزاحم همسرش شود و نور چراغ را در اطاق پخش کند - کتاب خواند. مزیت دیگر اینستکه با فشار یک دکمه می‌توان حروف را در روی صفحه نمایش درشت‌تر کرد که نیازی به استفاده از عینک نباشد. می‌توان هر قسمت از کتاب را کپی کرد. می‌توان کلمات یا نام‌های مورد نظر را - برای کارهای پژوهشی - استخراج کرد. یا مثلاً، اگر در داستان داستایوسکی ناگهان در صفحه صد رمان به شخصیت غریبی برخوردید، - می‌توانید سابقه‌اش را زود دریابید. کلیدر دولت‌آبادی هم می‌تواند بعدها از این مزیت سود بجوید.

نشر الکترونیکی دو مزیت عمده دارد: حذف هزینه‌های انبارداری و توزیع. از اینروست که ناشران لاکتاب گمان می‌برند که می‌توانند هر عنوانی را به بهای یک تا دو دلار به بازار عرضه کنند.

اما آیا دوستداران کتاب از احساس لمس کاغذ و بوی مرکب صرفنظر خواهند کرد و به لاکتاب رو خواهند آورد؟ کتاب نیازی به کامپیوتر ندارد. کتاب در هر آن در دسترس همگان است. اما لاکتاب به سخت‌افزار نیاز دارد و هر سه ساعت باید باطری آنرا پر کرد. گمان ناشران اینستکه لاکتاب‌ها در وهله نخست فقط مورد استفاده پژوهشگران و محققین و دانشجویان قرار خواهد گرفت و کسانی که لذت کتاب خواندن را لذتی استثنائی و متفاوت می‌دانند، به این زودیه‌ها به لاکتاب رو نخواهند آورد.

اگر یک عامل به رونق لاکتاب‌ها کمک کند، عامل اقتصادی و عامل محیط زیست است. هزینه‌های چاپ رو به افزایش است و گروه‌های عاشق حفظ محیط زیست از هر جریانی که از آسیب رساندن به درختان و جنگل‌ها و محیط طبیعی زیست پرهیز داشته باشد، استقبال می‌کنند. اکنون که یکی از بزرگترین ناشران کتاب در آمریکا به نشر الکترونیکی رو آورده است، باید منتظر اولین عنوان‌هایی بود که به بازار عرضه می‌شود.

آنچه روشن است اینستکه، دست‌کم، رو آوردن به لاکتاب‌ها، آدم را، آنطور که در اصطلاح عوام رایج است «لاکتاب» نخواهد کرد. ■

- ۱ - دوست دیرین و فاضل من کریم امامی مقالاتی دارد زیر نام «مزمه‌هایی از چهارراه کتابی» که تاکنون ۷ بخش آن در ماهنامه فرهنگی و هنری کلک چاپ شده است. عنوان بالا را از ایشان عاریت گرفته‌ام.
- ۲ - کریم امامی در بخش هفتم مقالات خود گوشه‌هایی از این تحول را بازگو کرده است. کلک شماره ۲۵/۲۶، فروردین، اردیبهشت ۱۳۷۰.